



An Approach to the Foundations of Rijāl Scholars in Assessing the Credibility of Ḥadīth Texts: A Case Study of the Ḥadīth Text and Theological Doctrines in Qāmūs al-Rijāl

Ali Hasanbeigi ^{a*}

^a Professor, Department of Qur'anic Sciences and Ḥadīth, Faculty of Humanities, University of Arak, Arak, Iran

KEYWORDS

Qāmūs al-Rijāl, Ḥadīth, credibility assessment, theological doctrines

Received: 25 July 2023;
Accepted: 20 May 2026

Article type: Research Paper
DOI: 10.22034/thr.2026.2007673.1029

ABSTRACT

Ḥadīth has always held an eminent position among Muslims. However, this importance and status have not prevented it from being exposed to harms and distortions. One of the most significant problems affecting ḥadīth is fabrication and forgery. Accordingly, scholars have sought to evaluate and authenticate ḥadīths. They have assessed ḥadīths on the basis of diverse principles and criteria. Theological doctrines constitute one of the criteria on the basis of which ḥadīths are criticized. In Qāmūs al-Rijāl, 'Allāmah Shūshtarī attempts to evaluate ḥadīths using criteria such as the Qur'an, the Sunnah, and history. Among the criteria for ḥadīth criticism that he frequently employs are theological beliefs. The present study examines the place of ḥadīth criticism based on theological foundations in Qāmūs al-Rijāl. The review conducted indicates that, to date, this topic has not been investigated by researchers. This article aims to explain 'Allāmah Shūshtarī's approach to ḥadīth and its criticism on the basis of theological doctrines. Using a descriptive-analytical method, the author arrives at the following findings: 'Allāmah Tustarī evaluates and assesses the credibility of ḥadīths on the basis of such theological beliefs as the infallibility of the Prophet (PBUH) and the Imam (A), God's incorporeality, the knowledge of God's proof (ḥujjah), the living status of Imam al-Mahdī (may God hasten his reappearance), the necessity of requiring the Imam's permission for an uprising when he is present, the necessity of God's proof in all times, the rightfulness of Imam 'Alī (A), and the invalidity of extremist exaggeration (ghulūw) regarding the Prophet (PBUH) and the Imams (A).

* Corresponding author.

E-mail address: a-hasanbagi@araku.ac.ir





رهیافتی بر مبانی رجالیان در اعتبار سنجی متن حدیث؛ مطالعه موردی: متن حدیث و باورهای کلامی در قاموس الرجال

علی حسن بیگی* الف

الف استاد، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران، a-hasanbagi@araku.ac.ir

واژگان کلیدی	چکیده
قاموس الرجال، حدیث، اعتبار سنجی، باورهای کلامی	حدیث همواره نزد مسلمانان جایگاه رفیعی داشته است. اهمیت و جایگاه مذکور مانع از آسیب‌ها و آفت‌ها نگردید. یکی از آسیب‌های مهم حدیث، جعل و وضع آن است. بر این اساس عالمان در صدد بر آمده اند حدیث را ارزیابی و اعتبار سنجی کنند. آنان بر پایه مبانی و معیارهای گوناگون حدیث را ارزیابی کرده اند. باورهای کلامی یکی از معیارهایی است که بر پایه آن، حدیث را نقد می‌کنند. علامه شوشتری در «قاموس الرجال» تلاش کرده حدیث را بر پایه معیارهایی از قبیل قرآن، سنت، تاریخ ارزیابی کند. یکی از معیارهای نقد حدیث، که علامه از آن به وفور بهره برده، باورهای کلامی است. این نوشتار در صدد بررسی جایگاه نقد حدیث بر پایه مبانی کلامی در «قاموس الرجال» است. با بررسی که صورت گرفت مشخص شد تاکنون این موضوع مورد تحقیق پژوهش گران قرار نگرفته است. این نوشتار در صدد تبیین رویکرد علامه شوشتری به حدیث و نقد آن بر پایه باورهای کلامی است. نگارنده با اتخاذ روش توصیفی - تحلیلی به نتایجی دست یافت. علامه تستری بر پایه باور کلامی عصمت پیامبر (ص) و امام (ع)، جسم نبودن خداوند، علم حجت الهی، زنده بودن امام زمان (عج)، لزوم اشتراط اذن امام در قیام هنگام حضور، ضرورت و لزوم حجت الهی در همه زمان‌ها، حقانیت امام علی (ع)، بطلان غلو درباره پیامبر (ص) و امام (ع) به ارزیابی و اعتبار سنجی حدیث اقدام کرده است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۳۰

مقاله علمی پژوهشی

۱. مقدمه

حدیث با همه اهمیتی که در نزد مسلمانان داشته و دارد همواره نسبت به جایگاه و ضرورت بهره مندی از آن دچار افراط و تفریط شده است. برخی از مسلمانان صدر اسلام با تکیه بر ایده قرآن بسندگی و استفاده از سلطه و قدرت به سوزاندن بخشی از احادیث مبادرت کرده^۱ و همچنین از نقل و تدوین حیث ممانعت کردند. از سوی دیگر بعد از رفع

۱. عایشه دختر ابوبکر خلیفه اول می‌گوید: شبی در کنار پدر خوابیده بودم دیدم او بیدار است و در بستر خود قرار ندارد. اندوهگین شدم از این که چرا پدرم خوابش نمی‌برد. صبح که شد به من گفت دخترم: هلمی الاحادیث التي عندک، فجئته بها فأحرقها (ذهبی، بی‌تا، ۵/۱)؛ احادیثی که نزدت هست بیاور. آن‌ها را بردم پس همه را سوزاند (ذهبی، بی‌تا، ۵/۱)؛ قال: أخبرنا عبد الله بن العلاء قال: سألت القاسم یملی علی احادیث فقال: إن الأحادیث کثرت علی عهد عمر بن الخطاب فأنشد الناس أن یأتوه بها فلما أتوه بها أمر بتحرقها (ابن سعد، ۱۴۱۴ق،

ممانعت و روی آوری به نقل و نگارش حدیث در قرن دوم عده ای در جایگاه حدیث مبالغه کردند تا آن جا که گفته شد حدیث می تواند ناسخ قرآن باشد. ابوالحسن اشعری بنیان گذار مکتب اشاعره که در واقع عقائد اهل سنت را تدوین کرده است می نویسد: «السنة لا تنسخ بالقرآن وإن السنة تنسخ القرآن وتقضى عليه، وإن القرآن لا ينسخ السنة ولا يقضى عليها؛ سنت به وسیله قرآن نسخ نمی شود؛ ولی سنت ناسخ و حاکم بر قرآن است. قرآن ناسخ و حاکم بر سنت نیست» (اشعری، ۱۴۰۰ ق، ۲۵۱، ۲۹۹). ایده حدیث بسندگی سبب گردید پالایش و ارزیابی آن مورد بی اعتنایی قرار گیرد. در این فضا بود که زمینه جعل حدیث فراهم گردید. تنها علامه امینی ۴۰۸۳۲۴ حدیث جعلی را در الغدير ج ۵، ص ۲۴۵ احصاء کرده است (اسد حیدر، ۱۴۰۳ ق، ۲۶۷/۱). بر این پایه عالمان حدیث برای جدا سازی احادیث معتبر از گزاره های حدیث نما قواعد و معیارهایی را از قبیل عدم مخالفت با قرآن؛ عدم مخالفت با سنت؛ عدم مخالفت با عقل و عدم مخالفت با مسلمات دانش های بشری بنیاد کردند... یکی از معیارهای نقد حدیث باورهای کلامی است. این نوشتار در صدد بررسی باورهای کلامی در نقد حدیث با تکیه بر «قاموس الرجال» است.

۲. پیشینه ارزیابی و نقد حدیث

پدیده جعل حدیث به عصر نبوی باز می گردد. شرایط به گونه ای پیش رفت که پیامبر (ص) واکنش نشان داد. امام علی (ع) فرمود: «وَلَقَدْ كَذَبَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى عَهْدِهِ حَتَّى قَامَ خَطِيباً فَقَالَ مَنْ كَذَبَ عَلَى مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ (رضی بی تا، خ ۲۱۰، ۳۳۵)؛ در زمان پیامبر (ص) باو نسبت دروغ دادند تا این که در سخنرانی خویش فرمود: هرکسی که به من نسبت دروغ دهد جایگاهش آتش و جهنم است. در این شرایط بود که پیامبر (ص) معیاری را برای جدا سازی گزاره های حدیثی اصیل از گزاره های حدیث نما مطرح کرد. او فرمود: «إِنَّ عَلَى كُلِّ حَقٍّ حَقِيقَةً وَ عَلَى كُلِّ صَوَابٍ نُورًا فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَ مَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ (کلینی، ۱۳۶۵، ۶۹/۱)؛ همراه هر حقی حقیقتی است و همراه هر امر درستی نوری است. پس آن چه با کتاب خدا سازگار بود آن را بپذیرید و اگر مخالف کتاب خدا بود رهاش کنید. قابل یاد آوری است اولین بار در سال یازده هجرت، حضرت فاطمه (س) با عرضه متن حدیثی بر آیه شریفه «وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ» (النمل، ۱۶) به نقد و ارزیابی حدیث اقدام کرد (مجلسی، ۱۳۸۶، ۲۲۰/۲۹-۲۲۷). توضیح آن که ابوبکر ادعا کرده بود که پیامبر (ص) فرموده است: «لَا نُورُثُ مَا تَرَكْنَا فَهُوَ صَدَقَةٌ»؛ ما انبیا از خود ارثی به جای نمی گذاریم و هر آنچه از خود باقی بگذاریم، صدقه و متعلق به عموم مردم است.» (ترمذی، ۱۴۱۹، ۸۲/۳). امام سجاد (ع) نیز بر پایه آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مِهَاجِرَاتٍ فَأَمْتَحِنُوهُنَّ ۖ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ ۖ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لِهِنَّ» (الممتحنة: ۱۰)، حدیث «عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَكَرَ عِنْدَهُ عُمَةُ ابْنُ طَالِبٍ. فَقَالَ «لَعَلَّه تَنْفَعُهُ شَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ. فَيَجْعَلُ فِي صَحْصَاحٍ مِنْ نَارٍ، يَبْلُغُ كَعْبِيهِ، يَغْلِي مِنْهُ دِمَاعُهُ؛ از ابوسعید خدری نقل شده است که: از عموي آن حضرت نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) یاد شد، آن حضرت فرمود: امیدوارم که شفاعت من در روز قیامت شامل حال او شود، او در میان حوضچه ای از آتش قرار داده می شود که ساق او را فرا می گیرد و از آن جا تا مغز، او را می جوشاند» (بخاری،

۴۰۰/۳؛ عبد الله بن علاء می گوید: قاسم بن محمد ابی بکر گفت: در زمان عمر نقل احادیث فراوان شد. او از مردم خواست احادیثی که دارند بیاورند. مردم احادیث را نزد عمر آوردند او دستور داد که آنها را بسوزانند.

بی‌تا، ۱۹۴/۶) را نقد کرد و فرمود: «و اعجابا إن الله تعالى نهى رسوله أن يقر مسلمة على نكاح كافر و قد كانت فاطمة بنت أسد من السابقات إلى الإسلام و لم تزل تحت أبي طالب حتى مات (ابن ابی الحدید، بی‌تا، ۶۹/۱۴)؛ بسیار جای شگفتی است که خدای تعالی پیغمبر اسلام را از نگاه داشتن زنان مسلمان در ازدواج با کافران نهی فرموده در صورتی که فاطمه بنت اسد از زنانی بود که به اسلام سبقت جست و همچنان در ازدواج ابوطالب بود تا آن گاه که ابوطالب از دنیا رفت. در حدیثی معتبر (محسنی، ۱۴۳۴، ۲۲۱/۱)، امام رضا (ع) روایت مخالف قرآن را تکذیب کرده و فرمود: إِذَا كَانَتْ الرَّوَّايَاتُ مُخَالَفَةً لِلْقُرْآنِ كَذَّبْنَاهَا (کلینی، ۱۳۶۵، ۹۶/۱). عالمان نیز در پژوهش‌های حدیثی به ارزیابی سند و متن حدیث اقدام کرده اند. در ادامه به ارزیابی متن حدیث از سوی علامه شوشتری در «قاموس الرجال» اشاره خواهد شد.

۳. مفهوم شناسی

حدیث: واژه حدیث در لغت به معنای جدید است. در اصطلاح حدیث عبارت است از: گزاره ای که از قول، فعل و تقریر معصوم (سنت = قول، فعل و تقریر معصوم)، حکایت می‌کند (صدر، بی‌تا، ۸۰) قابل یادآوری است حدیث حاکی از سنت است لذا تقسیم به اقسام چهار گانه (صحیح، موثق، حسن و ضعیف) می‌شود. به اعتبار دیگر حدیث به اعتبار شأن حکایتگری به صحیح، موثق، حسن و ضعیف تقسیم می‌گردد ولی سنت که همان نفس قول، فعل و تقریر معصوم است همواره صحیح است لذا دچار تقسیم رباعی نمی‌گردد (سبحانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۵۷). ناگفته نماند امروزه حدیث پژوهان، واژه حدیث و سنت را مترادف، می‌دانند (صبحی صالح، ۱۳۶۳، ۱۱۳). در صورتی که حدیث بیانگر سنت است.

نقد: «نقد»، در لغت به معنای خرده گیری، نکته گیری، سخن سنجی، به گزینی، سره کردن سیم، نظر کردن در درم‌ها و جزآن‌ها و خوب و بد آن‌ها را جدا کردن، ظاهر ساختن عیوب یا محاسن کلام است (عمید، ۱۳۷۹، ۱۹۱۴/۲). به نظر می‌رسد واژه مذکور، در عرف پژوهشگران، از معنای لغوی آن بیگانه نیست؛ زیرا آنان نیز در پی جدا سازی احادیث درست و سره از احادیث نادرست و ناسره هستند (مسعودی، ۱۳۸۸، ۱۷۴). شاید بتوان گفت پژوهشگر حدیث در نقد حدیث، به دنبال سنجش سند و متن آن با قواعد و معیارهای قطعی و پذیرفته شده برای آگاهی از صحت و ضعف و نیز درجه اعتبار حدیث است. با نقد سند در پی صحت انتساب و در نقد متن به دنبال سازگاری محتوا با مجموع آموزه‌های معتبر و پذیرفته شده از جمله معارف و حیانی و بشری است (همان).

باورهای کلامی: گرچه در فرهنگ‌نامه‌ها از تعبیر باورهای کلامی خبری نیست، با تأمل و دقت در کاربردهای آن، می‌توان باورهای کلامی را چنین تعریف کرد: باورهای کلامی به آن دسته از باورهایی اطلاق می‌شود که باورمند به آن‌ها یقین داشته باشد و خاستگاه آن‌ها، عقل و نقل یا خوش‌گمانی است. ضمناً، باورهای کلامی به ساحت فکر و اندیشه تعلق دارد، نه به ساحت اعمال و مناسک. باورهایی همچون عصمت پیامبر، علم امام، تحریف‌ناپذیری قرآن، عدالت صحابه و... از این قبیل هستند.

۴. خاستگاه باورهای کلامی

از آنجاکه باورهای کلامی به لحاظ خاستگاه و منبع، متنوع و گوناگون هستند، برخی از آن‌ها بسیار مستحکم‌اند و برخی این ویژگی را ندارند. در نتیجه، هر باوری شایستگی معیار نقد حدیث را ندارد. به عبارت دیگر، هر باور کلامی با هر خاستگاهی، معیار نقد و ارزیابی حدیث قرار نمی‌گیرد؛ بلکه باورهایی معیار نقد قرار می‌گیرند که از استحکام زیادی

برخوردار باشند. لذا باید به خاستگاه باورهای کلامی توجه کرد. به نظر می‌رسد که خاستگاه باورهای کلامی عبارت‌اند از: ۱. عقل: دانشمندان علم لغت، عقل را به معنای منع و جلوگیری کردن دانسته‌اند (ابن منظور، ۱۴۰۵، ۴۵۸/۱۱)؛ ولی مقصود از عقل در حدیث که چندان از معنای یادشده هم بیگانه نیست، همان نیروی خدادادی است که انسان‌ها به واسطه آن صحیح را از ناصحیح تشخیص می‌دهند (مجلسی، ۱۳۸۶، ۹۸/۱). گاهی منشأ برخی از باورهای کلامی عقل است؛ مثل یگانگی خداوند متعال، عصمت نبی و... (علامه حلی، ۱۴۰۷، ۲۸۰، ۳۴۹) به بیان دیگر، برای هریک از باورهای کلامی، دلیل عقلی اقامه شده است.

۲. نقل معتبر: مقصود از نقل معتبر، قرآن و احادیث صحیح است که همه مسلمانان بر اعتبار آن دو اتفاق نظر دارند. گاه منبع و منشأ برخی باورهای کلامی، نقل معتبر است؛ مثل عصمت پیامبر، خلافت بلا فصل امیرالمؤمنین علی (ع)، دانایی امام صادق (ع) و... (صدوق، الاعتقادات، ۱۴۱۳، ۸۳؛ طباطبایی، ۱۳۶۲، ۲/۱۳۸ تا ۱۴۴؛ امینی، ۱۴۱۶، ۱/۱۶۵ و ۳۶۷ تا ۳۷۲).

۳. حسن ظن به برخی افراد: گاه منشأ باور کلامی، خوش‌بین بودن بیش از حد به برخی اشخاص است. این نگرش گاه بر اثر حوادثی ایجاد می‌شود که در جامعه رخ داده است. پیروزی‌ها و کوشش‌های حاکمان در این باره نقش مهمی ایفا کرده و به بازتولید باور کلامی همچون «عدالت صحابه» انجامیده است (حسن‌بگی، ۱۳۸۲، ۱۰۷ تا ۱۱۱). علاوه بر تلاش‌ها و اقدامات حاکمان در ایجاد خوش‌بینی به اشخاص، گاه خاستگاه خوش‌بینی متأثر شدن از نحله‌ها و ادیان دیگر است؛ چنان‌که برخی از اشخاص درباره جاودانگی امام علی (ع)، محمد حنیفه، امام حسین (ع) و... از یهودیان و مسیحیان تأثیر پذیرفته‌اند (ذهبی، ۱۳۸۲، ۴/۹۸ و ۹۹؛ طوسی، ۱۳۴۸، ۳۱۶).

۵. شرایط معیار نقد بودن باورهای کلامی

به دلیل تنوع باورهای کلامی، پژوهشگر باید در نقد حدیث به انواع آن توجه کند؛ زیرا همان گونه که پیش‌تر اشاره شد، هر باور کلامی شایستگی معیار نقد حدیث را ندارد. با بررسی در کتاب‌های کلامی و حدیثی می‌توان باورهای کلامی را به دو قسم تقسیم کرد: ۱. باورهای کلامی مسلم، همچون وجود خداوند، عصمت پیامبر (ص)، علم امام (ع) و... (حلی، ۱۴۰۷، ۲۸۰ و ۳۴۹). ۲. باورهای کلامی غیرمسلم یا خاص، همچون عصمت حضرت علی اکبر (ع) و عصمت نواب اربعه و... (استادی، ۱۳۷۹، ۳۷؛ سنقری حائری، ۱۳۸۱، ۵۹ و ۶۸؛ مجتهدی سیستانی، ۱۳۹۳، ۶۵۱). به بیان دیگر، باورهای کلامی به دو دسته تقسیم می‌شوند: برخی از این باورها به گونه‌ای است که همه یا بیشتر کارشناسان و متکلمان دینی بر درستی آن توافق دارند و برخی از آن‌ها را غیرمتخصصان مسائل دینی یا برخی متکلمان مطرح کرده‌اند. بر این اساس، باورهای کلامی در صورتی شایستگی معیار نقد حدیث را دارند که دارای دو شرط ذیل باشند.

الف. مسلم بودن باورهای کلامی

باور کلامی هنگامی معیار نقد حدیث می‌شود که در میان باورمندان مسلم باشد؛ زیرا در غیر این صورت نمی‌توان جانب باور کلامی را گرفت و حدیث را کنار گذاشت.

ب. مستحکم بودن خاستگاه باور کلامی

مستحکم بودن خاستگاه باورهای کلامی از شرایط مهمی است که پژوهشگر باید به آن توجه کند؛ زیرا هر باوری با هر

خاستگاهی صلاحیت معیار بودن را ندارد. برای مثال باورهای خرافی همچون نحس بودن سیزده یا لزوم صبر بعد از عطسه کردن شایستگی معیار نقد بودن را دارا نیست.

۶. تکیه بر باورهای کلامی در نقد حدیث

به نظر می‌رسد از آن جا که باورمند نسبت به باورهای کلامی یقین دارد و از سوی دیگر بسیاری از احادیث خبر واحد و مفادشان ظن آور است لذا باورمند هنگام تعارض میان حدیث و باور کلامی جانب باور کلامی را می‌گیرد؛ زیرا هیچ کسی هنگام تعارض میان ظن و یقین جانب ظن را نمی‌گیرد بلکه بر یقین خویش تکیه و استناد می‌کند. باورهای کلامی، معیاری است که همواره پژوهشگران در نقد حدیث از آن بهره می‌برند. در ادامه، به سه نمونه اشاره می‌شود:

الف. امام علی (ع) و نماز بی‌وضو خواندن

امام صادق (ع) می‌فرماید: «علی (ع) نماز ظهر را در مسجد به جماعت خواند. سپس جارچی اعلان کرد که امیرالمؤمنین علی (ع) نماز را بدون وضو خوانده است. همگی نماز خود را اعاده کنید و حاضران به غایبان برسانند (طوسی، ۱۳۶۵، ق ۳/۴۰).

این حدیث را شیخ طوسی بر پایه باور کلامی، یعنی عصمت امام علی (ع) از سهورد کرده است (همان).

ب. امام (ع) و فروش خرما به شراب‌ساز

عن رفاعه بن موسی قال سئل ابو عبدالله (ع) و انا حاضر عن بیع العصیر ممن یخمره قال: «حلال السنا نیع تمرنا ممن یجعلہ شرابا خبیثا.» (طوسی، ۱۳۶۵، ۱۲۶/۷) رفاعه می‌گوید: «در محضر امام صادق (ع) بودم که کسی از امام پرسید آیا می‌توان خرما را به شراب‌ساز فروخت؟ امام (ع) در پاسخ او فرمود: معامله مذکور حلال است و ما هم چنین کاری می‌کنیم).

این حدیث با وجود صحیح بودن سند آن (اردبیلی، ۱۴۱۱، ۴۹/۸) به دلیل اشتغال بر کمک کردن به گناه از سوی معصوم (فروختن خرما به شراب‌ساز) و تعارض آن با مبر بودن امام از اعانه بر اثم (صدوق، ۱۴۱۳، ق ۹۶)، طرد شده است (خمینی، ۱۴۱۰، ۱/۱۴۵).

ج. امام (ع) و نسبت ناروا به افراد

عن عبدالله بن الحجال قال كنت عند ابي الحسن الرضا (ع) اذ ورد عليه كتاب يقرؤه فقرأه ثم ضرب به الارض فقال: «هذا كتاب ابن زان لزانية هذا كتاب زندیق لغير رشده فنظرت اليه فذا كتاب يونس.» (طوسی، ۱۳۴۸، ۴۹۶) عبدالله بن حجال می‌گوید: «در محضر امام رضا (ع) بودم که نامه‌ای آوردند. امام (ع) پس از خواندن نامه آن را روی زمین انداخت و فرمود: 'این نامه از سوی زن‌زاده است. من به نامه نگاه کردم و دیدم که نامه یونس بن عبدالرحمان است.'» این حدیث علاوه بر ضعف سند (خویی، ۱۴۱۰، ۲۲۳/۲۱)، به دلیل تعارض با باور کلامی شیعی مبنی بر مبر بودن امام (ع) از نسبت ناروا به افراد (صدوق، ۱۴۱۳، ق ۹۶) طرد شده است (طوسی، ۱۳۴۸، ۴۹۶).

۷. باورهای کلامی معیار نقد حدیث در «قاموس الرجال»

مرحومه علامه شوشتری علاوه بر ارزیابی سند حدیث به اعتبار سنجی متن حدیث نیز بر پایه معیارها و مبانی گوناگونی که پذیرفته اقدام کرده است و او با تکیه بر باورهای کلامی به ارزیابی و نقد متن حدیث نیز روی آورده است. در ادامه به موارد آن اشاره می‌شود:

۱- اسودبن سریع میگوید: به محضر پیامبر (ص) شرفیاب شدم و گفتم: «یا رسول الله! انی قد حمدت ربی بمحمد و مدح و إياك قال هات ما حمدت به ربك فجعلت أنشده فجاء رجل آدم فاستأذن فقال النبي ص س فعل ذلك مرتين أو ثلاثا قلت يا رسول الله من هذا الذي [الذي] استنصتني له قال هذا عمر بن الخطاب هذا رجل لا يحب الباطل»؛ اشعاری سروده ام که خدا و تو را در آن ستوده ام، پیامبر (ص) فرمود بخوان. من شروع کرم بخواندن که در این هنگام کسی اذن ورود خواست پیامبر (ص) دو یا سه بار مرا امر به سکوت (هیس هیس هیس) کرد عرض کردم مگر چه کسی است که تو مرا به خاطر او به سکوت وادار می کنی؟ فرمود عمر بن خطاب است که باطل را دوست ندارد (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ۱۰۴/۱). علامه شوشتری در ذیل این حدیث می نویسد: این حدیث با یکی از باورهای کلامی (مبرا بودن پیامبر از هرگونه لهو لعب و دوستی آنها) سازگار نمی باشد؛ زیرا در این حدیث پیامبر (ص) دوست دار باطل معرفی شده و عمر بی علاقه به باطل است. از سوی دیگر لازمه این حدیث این است که حمد و ستایش خداوند کاری است باطل لذا پذیرفتنی نیست. (تستری، ۱۴۱۸ق، ۱۳۳/۲).

۲- اسیدبن صفوان میگوید: «لما قبض أبو بكر فأقبل علي بن أبي طالب رضي الله عنه مسرعا باکیا مسترجعا حتی وقف علی باب البيت فقال: رحمك الله يا أبا بكر»؛ زمانی که ابوبکر از دنیا رفت علی (ع) با عجله به در خانه ابوبکر آمد در حالی که می گریست و انالله و انا الیه راجعون میگفت و چنین گفت: خدا رحمت کند تو را ای ابوبکر (ابن عبدالبر ۱۴۱۵ق، ۹۸/۱).

حدیث مذکور از احادیث موضوعه است (تستری، ۱۴۱۸ق، ۱۴۴/۲). به احتمال فراوان به خاطر تعارض این حدیث با یکی از باورهای کلامی شیعه (غاصب بودن خلفا) حکم به ساختگی و موضوع بودن حدیث شده است. توضیح آن که شیعیان معتقدند که حضرت علی (ع) جانشین بر حق پیامبر (ص) است و تبری از کسانی که بر مسند خلافت تکیه زده اند واجب است (شهرستانی، بی تا، ۱۳۱؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۲ق، ۳۲۵؛ نراقی، ۱۳۸۰، ۱۲۶؛ مظفر، بی تا، ۷۵) براین اساس حکومت ابوبکر، عمر و عثمان نا مشروع است

۳- بشیر غنوی می گوید: پیامبر (ص) فرمود: «لَتَفْتَحَنَّ الْقُسْطَنْطِينِيَّةُ، فَنَعْمَ لَأَمِيرِ أَمِيرِهَا، وَ نَعْمَ الْجَيْشِ ذَلِكَ الْجَيْشِ»؛ قسطنطنیه فتح می شود فرمانده آن خوب فرماندهی است و سپاه آن نیز خوب سپاهی است (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵ق، ۱۷۰/۱).

آنچه که ساختگی بودن حدیث را روشن می کند فرماندهی مسلمة بن عبدالملك (یکی از امویان غاصب) در فتح قسطنطنیه است (تستری، ۱۴۱۸ق، ۳۵۳/۲). به عبارت دیگر این حدیث مجعول است؛ زیرا پیامبر (ص) از یک فرمانده اموی که غاصبان خلافت اهل بیت او هستند مدح نمی کند.^۲

۴- به مناسبت تفسیر آیه شریفه «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (الاحزاب: ۷۲)؛ امام صادق (ع) می فرماید: و حملهما علی تمنی منزلتهم فنظرا إليهم بعين الحسد فخذلا حتى أكل من شجرة الحنطة (صدوق، ۱۴۳۱، ۱۰۹)؛ آدم و حوا به منزلت خمسه طيبة حسادت

۲. دقت شود این سری احادیث «پیش گویی» نیست بلکه مصداق «پس گویی» است یعنی رویدادی رخ داده است. از سوی دیگر افرادی به ساختن گزاره هایی از زبان پیامبر (ص) که ناظر به این رویداد است اقدام می کنند.

ورزیدند در نتیجه به خوردن شجره ممنوعه مبتلی شدند. حدیث فوق منکر و در میان احادیث امامیه ناشناخته و غیر قابل پذیرش است (تستری، ۱۴۱۸ ق، ۴۱۰/۲). زیرا با یکی از باورهای کلامی که عبارت از عصمت و مبری بودن پیامبر از اخلاق رذیله از قبیل حسادت ناسازگار است.

۵- پیامبر (ص) فرمود: یطلع علیکم خیر ذی یمن، کأن علی وجهه مسحة ملك فطلع جریر (ابن عبد البر، ۱۴۱۵ ق، ۲۳۶/۱)؛ بهترین یمنی بر شما وارد خواهد شد گوئی روئی چون فرشتگان دارد در این هنگام جریر بن عبدالله بجلی وارد شد. حدیث فوق از احادیث ساختگی است (تستری، ۱۴۱۸ ق، ۵۸۷/۲)؛ زیرا جریر بن عبدالله بجلی از امام علی (ع) کناره گیری کرد و از کوفه خارج شد و پیامبری که معصوم است از چنین کسی با چنین اوصافی یاد نمی کند.

۶- جریر بن عبدالله بجلی می گوید: خرج علینا النبی - صلی الله علیه و آله - ليلة البدر، فقال: إنکم ترون ربکم يوم القيامة كما ترون هذا، لا تضامون فی رؤيته (ابن اثیر، ۱۴۰۹ ق، ۲۸۰/۱)؛ پیامبر (ص) در شب چهاردهم ماه بر ما وارد شد فرمود: خدا را در قیامت خواهید دید. همانطور که این ماه شب چهارده را می بینید که شکی در دیدنش ندارید. حدیث فوق از احادیث موضوعه است (تستری، ۱۴۱۸ ق، ۵۸۷/۲)؛ زیرا با یکی از باورهای اعتقادی (عدم جسمانیت خدا) سازگار نمی باشد.

۷- پیامبر (ص) فرمود: مثل أهل بیتی مثل نجوم السماء كلما غاب نجم طلع نجم حتی إذا نجم منها طلع فرمتموه بالأعین و أشرتم إليه بالأصابع أتاه ملك الموت فذهب به ثم لبثتم فی ذلك سبتا من دهرکم و استوت بنو عبد المطلب و لم یدر أى من أى فعند ذلك یدو نجمکم فاحمدوا الله و اقبلوه (نعمانی، ۱۳۹۷ ق، ۱۵۵)؛ همانا مثل اهل بیت من در این امت همچون ستارگان آسمان است که هرگاه ستاره ای از دیدگان پنهان شود ستاره ای دیگر آشکار گردد تا آن هنگام که شما ابرویتان را بسوی او کشانیده و با انگشتان بدان اشاره کنید فرشته مرگ آمده او را ببرد سپس مدتی از روزگارتان را چنین سپری کنید که ندانید کدام از کدام است و فرزندان عبدالمطلب همگی در آن امر یکسان گردند پس در این حال که شما چنین روزگار بسر می برید خداوند بر شما ستاره تان را آشکار کند پس او را سپاس گوئید و آن را پذیرا شوید. حدیث مذکور از احادیث غریب است؛ زیرا مشتمل بر مرگ امام عصر (عج) نه غیبت آن بزرگوار (تستری، ۱۴۱۸ ق، ۵۸۷/۲) بر این اساس حدیث مذکور پذیرفتنی نیست؛ زیرا با یکی از باورهای کلامی شیعه که غیبت امام عصر (عج) هست ناسازگار است

۸- نقل کرده اند که پیامبر (ص) از حارث بن حسان چگونگی هلاکت قوم عاد بوسیله باد بی باران پرسید: سأل رسول الله صلی الله علیه و سلم عن حدیث عاد قوم هود، و کیف هلکوا بالريح العقيم؟ فقال له: یا رسول الله، علی الخبیر سقطت (ابن عبد البر، ۱۴۱۵ ق، ۲۸۶/۱)؛ حسان به پیامبر (ص) گفت: از آدم آگاهی پرسیدی. حدیث مذکور ساختگی است؛ زیرا که پیامبری که متصل و مؤید بوحی است چه نیازی دارد که از بادیه نشین پرسش کند (تستری، ۱۴۱۸ ق، ۲۵/۳)

۹- حسین بن زید می گوید: شهد مع محمد بن عبد الله بن الحسن من ولد الحسين بن علی أربعة: أنا، و أخي عیسی، و موسی، و عبد الله ابنا جعفر بن محمد علیهما السلام (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۹ ق، ۳۳۳)؛ چهارتن از اولاد حسین بن علی (ع) به همراهی محمد بن عبدالله (معروف به نفس زکیه) خروج کردند: خودم، برادرم عیسی و پسران جعفر بن محمد، موسی و عبدالله. حدیث مذکور ساختگی است؛ زیرا امامان (ع) بعد از قیام امام حسین (ع) نه در قیامی شرکت کرده و نه اجازه شرکت در قیامی را داده اند (تستری، ۱۴۱۸ ق، ۴۵۵/۳). به عبارت دیگر باور کلامی شیعه این است که معصوم (ع) در قیامهایی که سردمداران آن غیر شیعه است شرکت نمی کنند.

۱۰- نقل شده است: سیرین کنیز حسان بن ثابت در دست خود دفّ گرفت و میان جمعیت آواز می خواند و می گفت بر من باکی است اگر کاری لهوری انجام دهم؟ در این هنگام پیامبر (ص) تبسم کرد و فرمود: لا حرج إن شاء الله (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ۴۷۵/۱۲)؛ ان شاء الله که باکی نیست. حدیث مذکور از احادیث ناسناخته و مجعول است (تستری، ۱۴۱۸ق، ۴۷۵/۳)؛ زیرا مشتمل بر اجازه و رضایت پیامبر (ص) است نسبت به خوانندگی زن آن هم در میان مردان اجنبی و این با باور اعتقادی نسبت به پیامبر سازگار نیست.

۱۱- امام رضا (ع) درباره گناهانی که در قرآن به انبیاء نسبت داده شده فرمودند: ان ذنوب الأنبياء عليهم السلام صغائر موهوبة (صدوق، ۱۳۷۸ق، ۱۲۷/۲)؛ گناهان مذکور، از صغائر موهوبه محسوب می شود. حدیث مذکور با باورهای اعتقادی شیعه (اثبات گناه صغیره و کبیره برای پیامبران) سازگار نیست (تستری، ۱۴۲۴ق، ۴۸/۴).

۱۲- مقدسی از پیامبر (ص) نقل کرده که پیامبر (ص) به بهشتی بودن زبیر بن عوام شهادت داده است. حدیث مذکور ساختگی است (تستری، ۱۴۲۴ق، ۴۰۹/۴)؛ زیرا زبیر بن عوام علیه امام بر حق شورش کرد و شیعه معتقد است شورش کنندگان علیه امام علی (ع) کافرند و پیامبر (ص) بر بهشتی بودن کافر شهادت نمی دهد.

۱۳- امام صادق (ع) می فرماید: قد كانت الأرض و ليس فيها رسول و لا نبی و لا حجة و ذلك بين آدم و نوح في الفترة و قد كان بين عيسى و محمد ص فترة من الزمان لم يكن في الأرض نبی و لا رسول و لا عالم (مجلسی، ۱۳۸۶، ۱۲۳/۴)؛ در فاصله بین آدم و نوح و عیسی و محمد (ص) در روی زمین نه پیامبری، نه حجتی و نه عالمی بود. حدیث مذکور از احادیث ناشناخته در میان شیعیان است (تستری، ۱۴۲۴ق، ۵۴۹/۴)؛ زیرا یکی از باورهای اعتقادی شیعه این است که زمین هیچ گاه از حجت الهی خالی نمی ماند.

۱۴- عبدالله بن سنان میگوید: امام صادق (ع) می فرمود: إن الله ليخاصر العبد المؤمن يوم القيامة و المؤمن يخاصر ربه يذكره ذنوبه قلت و ما يخاصر قال فوضع يده على خصرته فقال هكذا (مجلسی، ۱۳۸۶، ۲۷۷/۷)؛ در قیامت مومن پهلوی به پهلوی خداوند می رود و گناهان خود را ذکر میکند و فکر کردم چگونه پهلوی به پهلوی اوست. حضرت دستش را گذشت روی پهلویم و فرمود چنین است. حدیث مذکور از احادیث ناشناخته در میان شیعه. و غیر قابل پذیرش است (تستری، ۱۴۲۴ق، ۵۴۹/۴)؛ زیرا لازمه حدیث مذکور، جسمانیت خداوند است.

۱۵- امام صادق (ع) می فرماید: إن الله ينزل في يوم عرفة في أول الزوال إلى الأرض على جمل أفرق يصال بفخذه أهل عرفات يمينا و شمالا و لا يزال كذلك حتى إذا كان عند المغرب و نفر الناس (عده ای از علما، ۱۴۲۳ق، ۲۰۴)؛ خداوند وقت زوال روز عرفة سوار بر شتری که سر آن پرمو است در میان مردم بر زمین فرود می آید و تا مغرب و کوچ آنان از عرفات به حرکت کردن ادامه میدهد. حدیث مذکور از احادیث ناشناخته و غیر قابل قبول است (تستری، ۱۴۲۴ق، ۵۴۹/۴)؛ زیرا لازمه اش اثبات مکان و جسمانیت برای خداوند است.

۱۶- علی (ع) هنگام حرکت به سوی بصره فرمود: «لا يرتحلنّ معي أحد أعان على عثمان بشيء» (طبری، بی تا، ۴۹۳/۴)، هر کسی که در شورش علیه عثمان شرکت کرده همراه من نباشد. حدیث مذکور ساختگی است (تستری، ۱۴۲۴ق، ۶۰۹/۴)؛ زیرا در نظر امام علی (ع) عثمان از غاصبان حق او بوده است.

۱۷- پیامبر (ص) در یکی از جنگها به سعد ابی وقاص روی کرد و فرمود: ارم، فداك أبي و أمي (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ۶۰۷/۲)؛ تیراندازی کن که پدر و مادرم فدایت.

حدیث مذکور، توسط نوه او (سعد بن ابراهیم) جعل شده است (تستری، ۱۴۲۴ق، ۵/۱۳).

به نظر می‌رسد جعلی بودن این حدیث به این دلیل است که سعد بن ابی وقاص از یاری امام برحق علی (ع) خودداری ورزید و در کنار غاصبان خلافت قرار گرفت و پیامبر (ص) که از عصمت و علم برخوردار است در حق چنین کسانی دعا نمی‌کند.

۱۸- امام حسن عسکری (ع) مشغول نوشتن مطلبی شد امام عصر (ع) که دوران طفولیت را می‌گذراند مانع می‌شد امام عسکری (ع) برای سرگرمی او اثار زرینی را در اختیارش قرار می‌داد: فکان مولانا یدحرج الرمانه بین یدیه و یشغله بردها کی لا یصده عن کتابه ما أراد (صدوق، کمال الدین، ۱۴۰۵ق / ۴۵۷)؛ تا سرگرم شود و مانع از کتابت نشود. حدیث مذکور قابل قبول نیست؛ زیرا در احادیث صحیح نقل شده که امام زمان (عج) اهل لهو و لعب نیست (تستری، ۱۴۲۴ق ۵/۶۱) به عبارت دیگر یکی از باورهای کلامی شیعه که خاستگاهش احادیث صحیح است، اجتناب امام (ع) از لهو و لعب است و این حدیث با این باور کلامی ناسازگار است

۱۹- نقل شده که سعید بن زید بعد از جنگ بدر از شام وارد مدینه شد. و با پیامبر (ص) در باره سهمش از غنائم بدر سخن گفت: فضرِب له النبی - صلی الله علیه و آله - بسهمه (ابن هشام، بی تا، ۲/۳۴۰-۳۴۱؛ ابن سید الناس، ۱۴۱۴ق، ۱/۳۱۹)؛ پیامبر (ص) برای او نیز از غنائم بدر سهمی در نظر گرفت. حدیث مذکور ساختگی است زیرا لازمه فعل مذکور از سوی پیامبر (ص) ظلم است؛ زیرا به کسی که در جنگ حضور نداشته، دادن غنیمت به غائبین ستمی است نسبت به حاضرین در جنگ و پیامبر (ص) چنین عملی انجام نمی‌دهد (تستری، ۱۴۲۴ق، ۵/۹۵). به عبارت دیگر یکی از باورهای کلامی شیعه مبرا بودن پیامبر از ظلم و ستم است.

۲۰- پیامبر به عموی خود عباس روی کرد و فرمود: از من چیزی بخواه او گفت: ارید من الشام الملعب، و من العراق الحیره، و من هجر الخطّ - و کانت هذه المواضع كثيرة العمارة - فقال النبی - صلی الله علیه و آله و سلم حبّا و کرامة. ثمّ دعا علیا - علیه السلام - فقال: اکتب لعمّک هذه المواضع، و أملى علیه و أشهد الحاضرین و ختمه بخاتمه، أخذه (مجلسی ۱۳۸۶، ج ۳۰ / ۳۶۹)؛ از سرزمین شام ملعب، از عراق حیره و از سرزمین هَجَر خطه (مناطق آباد سرزمینهای مذکور) را می‌خواهم. پیامبر (ص)، به خاطر محبتش به عباس و تکریم او علی (ع) را فراخواند و فرمود: مناطق خواسته شده را برای عمومیت بنویس و حاضران را به گواهی گرفت و نامه را مهر کرد.

دقت در متن حدیث مذکور گویای ساختگی بودن آن است. (تستری، ۱۴۲۴ق، ۶/۱۹). به احتمال فراوان ساختگی بودن این حدیث به این دلیل است که پیامبر (ص) که مظهر عدل و عدالت است این بخشش را نسبت به کسی که برای دین زحمتی نکشیده نمی‌کند. به عبارت دیگر بخشش مذکور لازمه اش ظلم به دیگران است و یکی از باورهای کلامی مبرا بودن پیامبر از معصیت (ظلم) است.

۲۱- عمر و عاص نقل می‌کند که پیامبر (ص) با صدای بلند فرمود: «أَلَا إِنَّ آلَ أَبِي َّ آلَ أَبِي طَالِبٍ لَيَسُوا لِي بِأَوْلِيَاءٍ. إِنَّمَا وَلِيُّ اللَّهِ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ» (بخاری، ۷/۸)؛ آل ابوطالب اولیاً من نیستند ولی من خدا و مومنان صالح هستند. حدیث مذکور ساختگی است (تستری، ۱۴۲۴ق، ۹/۱۱۱)؛ زیرا از آل ابی طالب یکی جعفر است که به شهادت رسید و دیگری علی (ع) است که ولی الله بوده و همچنین فاطمه بنت اسد همسر ابوطالب است که اسلام آورد و پیامبر در دفن او حاضر می‌شود.

۲۲- مره بن کعب می‌گوید: پیامبر (ص) درباره فتنه‌ها صحبت می‌کرد. در این هنگام مردی که خود را در لباسی

پیچانده بود از کنار ما عبور کرد. پیامبر (ص) فرمود: هذا يومئذ على الهدى (ابن اثیر، ۱۴۰۹ ق، ۳۷۳/۴)؛ این شخص در آن هنگام بر هدایت و حق خواهد بود. رفته به سوی او دیدم عثمان است. حدیث مذکور ساختگی است؛ زیرا لازمه اش باطل بودن علی (ع) و حق بودن معاویه که خونخواه عثمان بوده است (تستری، ۱۴۲۴ ق، ۴۶/۱۰).

۲۳- پیامبر (ص) فرمود: من شرط کردم با خدا که من بشر هستم لذا خشمگین و خشنود می شوم چنانکه بشر چنین است. فَأَيُّمَا أَحَدٍ دَعَوْتُ عَلَيْهِ، مِنْ أُمَّتِي، بِدَعْوَةٍ لَيْسَ لَهَا بِأَهْلٍ، أَنْ يَجْعَلَهَا لَهُ طَهُورًا وَزَكَاةً (مسلم، ۱۴۱۲ ق، ۲۰۱/۴)؛ پس هر کسی را از امتم که نفرین کردم نفرین را مایه تطهیر و تزکیه او قرار ده. حدیث مذکور ساختگی است (تستری، ۱۴۲۴ ق، ۱۲۵/۱۰) است زیرا حدیث مذکور با عصمت پیامبر (ص) و بر خور داری پیامبر (ص) از خلق عظیم در تعارض است.

۲۴- پیامبر فرمود: ان أبا بكر وعمر من الاسلام بمنزلة السمع والبصر من الانسان (حلیه الاولیاء، ج ۴، ص ۷۳)؛ منزلت و جایگاه ابوبکر و عمر در اسلام همچون جایگاه گوش و چشم در انسان است. حدیث مذکور از احادیث ساختگی (تستری، ۱۴۲۴ ق، ۴۵۵/۱۰) است؛ زیرا پیامبر (ص) هیچ گاه کسانی که در حق امام علی (ع) جفا کردند را این گونه توصیف نمی کند.

۲۵- پیامبر (ص) فرمود: «سیكون بعدی خلفاء، و من بعد الخلفاء أمراء، و من بعد الأمراء ملوك، و من بعد الملوك جبابرة. ثم يخرج رجل من أهل بيتي يملأ الأرض عدلاً كما ملئت جوراً» (ابن اثیر، ۱۴۰۹ ق، ۴۶/۵)؛ پس از من بر شما خلفاً حکومت می کنند. بعد امیران، بعد از آن پادشاهان هستند و بعد از پادشاهان ستمگران سپس یکی از اهل بیت من قیام می کند و دنیا را که پر از ستم شده سرشار از عدل می نماید. حدیث مذکور از احادیث موضوعه است آنهم در راستای تصحیح خلافت خلفاً سه گانه (تستری، ۱۴۲۴ ق، ۲۴۷/۱۱).

۲۶- پیامبر (ص) درباره ابوعبیده جراح- یکی از پایه گذاران حکومت ابوبکر- فرمود: لِكُلِّ أُمَّةٍ أَمِينٌ وَأَبُو عُبَيْدَةَ أَمِينُ هَذِهِ الْأُمَّةِ (احمد بن حنبل، ۳۵۸/۱۹)؛ هر امتی امینی دارد و امین این امت ابوعبیده جراح است. حدیث مذکور ساختگی است. او امین خلیفه اول و دوم بود و نسبت به اهل بیت پیامبر (ص) خائن بود. او از کیسانی بود که به همراه عمر حکومت ابوبکر را بنیان گذاشتند (تستری، ۱۴۲۴ ق، ۴۱۶/۱۱).

۲۷- امام عصر (عج) می فرماید در هر روز از ایام رجب این دعا را بخوان: اللهم انی اسالك بمعانی جميع ما يدعوك به ولاه امرک... لافرق بینک و بینها الا انهم عبادک (طوسی، ۱۴۱۱ ق، ۷۳۹-۷۴۱). این دعا دچار اختلال در الفاظ و معناست و بخشی از آن در میان احادیث شیعه ناشناخته است (تستری، ۱۴۲۴ ق، ۲۴۷/۱۱). به احتمال فراوان لازمه بخش اخیر دعای مذکور غلو و در نتیجه شرک به خداوند است.

۸. نتیجه

عالمان و پژوهشگران حدیث، روایت و حدیث را با معیارهای گوناگونی از قبیل قرآن، سنت قطعی، عقل و دانش های بشری ارزیابی و اعتبار سنجی می کنند. یکی از معیارهای نقد حدیث که پیشینه دیرینه ای دارد باورهای کلامی است. علامه شوشتری بر پایه باور کلامی، عصمت، جسم نبودن خداوند، عصمت پیامبر و امام، علم حجت الهی، زنده بودن امام

زمان، هنگام حضور امام و لزوم اشتراط اذن امام در قیام، ضرورت و لزوم حجت الهی در همه زمان‌ها، حقانیت امام علی (ع)، بطلان غلو درباره پیامبر و امام به ارزیابی و اعتبار سنجی حدیث اقدام کرده است. گفتنی است او بدون تعصب بر مذهب خویش با استفاده از باورهای کلامی احادیث سنی و شیعه را روشمندانه اعتبار سنجی کرده است.

۹. منابع

- قرآن کریم

۱. ابن ابی‌الحدید، عبد الحمید بن محمد. (بی‌تا). شرح نهج البلاغه، تهران: جهان.
۲. ابن ابی‌زینب، محمد بن ابراهیم، (۱۳۹۷ق)، الغیبة للنعمانی، تهران: نشر صدوق.
۳. ابن اثیر، علی بن محمد، (۱۴۰۹ق)، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت: دارالفکر.
۴. ابن حنبل، احمد بن محمد، (بی‌تا)، المسند، بیروت: مؤسسه الرساله.
۵. ابن سعد، محمد بن سعد، (۱۴۱۴ق)، الطبقات الکبری، بیروت: دارالفکر.
۶. ابن سید الناس، (۱۴۱۴ق)، عیون الاثر، بیروت: دارالقلم.
۷. ابن عبد البر، یوسف بن عبدالله، (۱۴۱۵ق)، الاستیعاب، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۸. ابن عساکر، علی بن حسن، (۱۴۱۵ق)، تاریخ مدینه دمشق، بیروت: دارالفکر.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر.
۱۰. ابن هشام، عبدالملک بن هشام، (بی‌تا)، السیره النبویه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۱. اردبیلی، احمد بن محمد، (۱۴۱۱ق)، مجمع الفائدة و البرهان، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۲. استادی، رضا، (۱۳۷۹)، «مصاحبه»، مجله معرفت، سال نهم، شماره ۵، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۳. اشعری، ابوالحسن علی بن اسماعیل، (۱۴۰۰ق)، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین (تصحیح هلموت ریتز)، بی‌جا: دارالنشر.
۱۴. اصفهانی، ابوالفرج، (۱۳۷۴)، مقاتل الطالبیین، قم: شریف الرضی.
۱۵. امینی، عبدالحسین، (۱۴۱۶ق)، الغدير، قم: مرکز الغدير للدراسات الاسلامیه.
۱۶. بخاری، محمد بن اسماعیل، (بی‌تا)، صحیح البخاری، قاهره: وزارة الاوقاف، المجلس الاعلی للشئون الاسلامیه.
۱۷. ترمذی، محمد بن عیسی، (۱۴۱۹ق)، السنن، قاهره: دار الحديث.
۱۸. حسن‌بگی، علی، (۱۳۸۲)، «عدالت صحابه، زمینه‌ها و پیامدها»، پژوهش‌های فلسفی-کلامی، ۵ (۱۷-۱۸).
۱۹. حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۰۷ق)، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۰. حیدر، اسد، (۱۴۰۳ق)، الامام الصادق و المذاهب الاربعه، بیروت: دار الكتاب العربی.
۲۱. خمینی، روح‌الله، (۱۴۱۰ق)، المکاسب المحرمه، قم: اسماعیلیان.
۲۲. خویی، ابوالقاسم، (۱۴۱۰ق)، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، قم: مرکز نشر آثار شیعه.
۲۳. ذهبی، احمد بن عثمان، (۱۳۸۲ق)، میزان الاعتدال، بیروت: دار المعرفة.
۲۴. ذهبی، شمس‌الدین، (بی‌تا)، تذکرة الحفاظ، بی‌جا: مكتبة الحرم المکی.

۲۵. رضی، محمد بن ابی احمد، (بی تا)، نهج البلاغه، قم: هجرت.
۲۶. سبحانی، جعفر، (۱۴۱۹ق)، اصول الحدیث و احکامه فی علم الدرایه، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع).
۲۷. سنقری حائری، محمدعلی، (۱۳۸۱)، چهره گشایی دختران امام حسین، قم: چاف.
۲۸. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، (بی تا)، الملل و النحل، قم: منشورات الشریف الرضی.
۲۹. صالح، صبحی، (۱۹۸۴م)، علوم الحدیث و مصطلحه، بیروت: دارالعلم للملایین.
۳۰. صبحی عمید، حسن، (۱۳۷۹)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیرکبیر.
۳۱. صدر، حسن، (بی تا)، نهایة الدرایة، بی جا: مشعر.
۳۲. صدوق، محمد بن علی، (۱۴۰۴ق)، عیون اخبار الرضا (ع)، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۳۳. صدوق، محمد بن علی، (۱۴۰۵ق)، کمال الدین و تمام النعمة (تصحیح علی اکبر غفاری)، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
۳۴. صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۳ق)، الاعتقادات، قم: کنگره شیخ مفید.
۳۵. صدوق، محمد بن علی، (۱۴۳۱ق)، معانی الاخبار، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۳۶. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۶۲)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۷. طبری، محمد بن جریر، (بی تا)، تاریخ الطبری، بیروت: دار التراث.
۳۸. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۶۵)، تهذیب الاحکام، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۹. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۴۸)، اختیار معرفة الرجال، مشهد: دانشگاه فردوسی.
۴۰. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۱ق)، مصباح المتهجد، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
۴۱. عده ای از علما، (۱۴۲۳ق)، الاصول الستة عشر، قم: دارالحدیث.
۴۲. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، (۱۴۲۲ق)، اللوامع الالهیه، قم: مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی.
۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵)، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۴۴. مجتهدی سیستانی، مرتضی، (بی تا)، صحیفه مهدیه، قم: نشر حاذق.
۴۵. مجلسی، محمدباقر، (۱۳۸۶)، بحار الانوار، تهران: المکتبة الاسلامیه.
۴۶. محسنی، محمد آصف، (۱۴۳۴ق)، معجم الاحادیث المعتبرة، قم: دار النشر الادیان.
۴۷. مسعودی، عبدالهادی، (۱۳۸۸ش)، وضع و نقد حدیث، تهران: سمت.
۴۸. مسلم، مسلم بن حجاج، (۱۴۱۲ق)، صحیح مسلم، بی جا: دار الحدیث.
۴۹. مظفر، محمدرضا، (بی تا)، عقائد الامامیه، تهران: محمدی.
۵۰. نراقی، محمد مهدی، (۱۳۸۰)، انیس الموحدين، قم: نشر پیام مهدی (عج).